



دانشگاه تربیت معلم آذربایجان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

عنوان

بررسی مضامین اجتماعی در آثار قاسم امین

استاد راهنما

دکتر محمد رضا اسلامی

استاد مشاور

دکتر مهین حاجی زاده

پژوهشگر

یعقوب پارسا کلوانق

زمستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

دو موجود مقدّس، آنان که ناتوان شدند تا من به  
توانایی برسم، موهایشان سپید شد تا من در اجتماع  
روسپید شوم و عاشقانه سوختند تا روشنگر راهم باشند  
و گرما بخش وجودم؛  
پدر و مادر عزیزم.

**تقدیر، تشکر و سپاس...**

آنچه پیش روست، مجموعه ای است کوتاه از مضامین اجتماعی در آثار  
اندیشمند و روشنفکر مصری، قاسم امین.

اگر چه قلم و اندیشه پریشان و ضعیف نگارنده از تعمق و بسط بیشتر و بهتر این موضوع در میانه راه قاصر گشت، لیکن امیدوار است که خواننده منصف حدیثی مفصل از این مجمل بخواند.

اما از آنجا که نگارش و تحریر این پایان نامه بدون همراهی و راهنمایی اساتید بزرگوارم گویی ره به ترکستان می برد، بر خود واجب می دانم تا از زحمات بی شائبه جناب آقای دکتر محمد رضا اسلامی، استاد راهنما که با تعمق، ظرافت و حوصله زاید الوصف و راهنمایی های دقیق، راهنمای اینجانب بودند و سرکار خام دکتر مهین حاجی زاده، استاد مشاور خود که به حقیقت فراتر از وظایف خویش در راستای این نوشتار به بنده عنایت داشتند، سپاسگزاری کنم. امیدوارم که خداوند هیچگاه مرا از تلمذ در حضور این عزیزان محروم نگرداند.

## فهرست مطالب

عنوان	
صفحه	
چکیده	یک
مقدمه	۱

فصل اول: نگاهی بر اوضاع عمومی برخی از کشورهای عربی

۱-۱: وضعیت عمومی کشورهای عربی قبل از نهضت علمی - ادبی..... ۵

۲-۱: عوامل و مظاهر نهضت عربی..... ۹

۱-۲-۱: مدارس..... ۹

۲-۲-۱: صنعت چاپ..... ۱۰

۳-۲-۱: روزنامه و مجلات..... ۱۰

۴-۲-۱: مجامع علمی و ادبی..... ۱۲

۵-۲-۱: کتابخانه ها..... ۱۲

۶-۲-۱: نقل و ترجمه..... ۱۳

۷-۲-۱: تئاتر..... ۱۳

۸-۲-۱: خاورشناسی..... ۱۴

۹-۲-۱: ادبیات بانوان..... ۱۴

۳-۱: جریان های فکری جامعه عرب در دوره نهضت..... ۱۵

۱-۳-۱: محافظه کاران..... ۱۶

۲-۳-۱: نوگرایان..... ۱۷

۳-۳-۱: اصلاح طلبان..... ۱۸

## فصل دوم: معرفی قاسم امین و آثار وی

۱-۲: نگاهی به زندگانی قاسم امین..... ۲۱

۲-۲: آثار قاسم امین..... ۲۷

۱-۲-۲: المصریون..... ۲۷

۲-۲-۲: اخلاق و مواعظ و اسباب و نتایج..... ۲۸

۳-۲-۲: کلمات..... ۲۸

۴-۲-۲: تحرير المرأة..... ۲۸

۵-۲-۲: المرأة الجديدة..... ۳۲

## فصل سوم: مضامین اجتماعی در آثار قاسم امین

۱-۳: تربیت کودکان..... ۳۶

۱-۱-۳: معنای لغوی تربیت..... ۳۸

۲-۱-۳: معنای اصطلاحی تربیت..... ۳۸

۳-۱-۳: تربیت از دیدگاه امین..... ۳۹

۱-۳-۱-۳: شروع و پایان تربیت از دیدگاه امین..... ۴۱

۲-۳-۱-۳: خانواده و نقش والدین در تربیت فرزندان..... ۴۲

- ۳-۳-۱-۳: نقش تربیت و وراثت در تکوین شخصت انسان ..... ۵۰
- ۴-۳-۱-۳: اصول و عیوب تربیت از دیدگاه قاسم امین ..... ۵۱
- ۱-۴-۳-۱-۳: اساس دینی ..... ۵۱
- ۲-۴-۳-۱-۳: احساس ملی گرایی و میهن دوستی ..... ۵۲
- ۳-۴-۳-۱-۳: وجدان و بازدارنده نفسانی ..... ۵۳
- ۴-۴-۳-۱-۳: حب نفس ..... ۵۴
- ۵-۴-۳-۱-۳: کسالت و تنبلی ..... ۵۵
- ۶-۴-۳-۱-۳: عدم احساس تربیت ..... ۵۶
- ۱-۶-۴-۳-۱-۳: وطن ..... ۵۷
- ۲-۶-۴-۳-۱-۳: حاکمیت عمومی و قدرت ..... ۵۷
- ۳-۶-۴-۳-۱-۳: خانواده ..... ۵۸
- ۴-۶-۴-۳-۱-۳: علم و فضیلت ..... ۵۹
- ۲-۳: اصلاح جامعه ..... ۵۹
- ۳-۳: سخنانی در باب اصلاح زبان و ادبیات عربی ..... ۶۶
- ۴-۳: مسأله وقف و دیدگاه امین ..... ۶۹
- ۵-۳: دعوت به ارزش های بورژوازی ..... ۷۱
- ۶-۳: ساخت دانشگاه ..... ۷۸

## فصل چهارم: زن

- ۱-۴: کلیاتی درمورد زن و اوضاع وی در طول تاریخ ..... ۸۲
- ۱-۱-۴: پیدایش جنبش آزادی زنان (فمینیسم) ..... ۸۵
- ۲-۱-۴: موقعیت زن در اسلام و علل تنزل شأن وی در ادوار بعدی ..... ۸۷
- ۲-۴: دیدگاه قاسم امین درباره زنانه مصوری معاصر خود ..... ۹۰
- ۳-۴: آزادی زن ..... ۹۴
- ۴-۴: حجاب ..... ۱۰۰
- ۱-۴-۴: مفهوم لغوی حجاب ..... ۱۰۰
- ۲-۴-۴: مفهوم اصطلاحی حجاب ..... ۱۰۰
- ۳-۴-۴: حجاب در میان ملل قدیمی ..... ۱۰۱
- ۴-۴-۴: حجاب در اسلام ..... ۱۰۲
- ۵-۴-۴: دیدگاه امین درباره حجاب ..... ۱۰۳
- ۵-۴: تعلیم و تربیت ..... ۱۱۷
- ۱-۵-۴: تربیت جسمانی زن ..... ۱۲۴

۱۲۵.....	۲-۵-۴: تربیت ادبی زن .....
۱۲۵.....	۳-۵-۴: تربیت عقلی زن .....
۱۳۰.....	۶-۴: زن و اشتغال.....
۱۳۵.....	۷-۴: ازدواج.....
۱۳۸.....	۸-۴: طلاق.....
۱۴۵.....	۹-۴: تعدد زوجات.....
۱۵۴.....	۱۰-۴: زن بورژوازی مخاطب امین.....
۱۵۵.....	نتیجه گیری.....
۱۵۹.....	منابع و مأخذ.....
	چکیده انگلیسی

## چکیده

پس از حمله توسعه طلبانه فرانسه به مصر در سال ۱۷۹۸م، روابط مصر و کشورهای عربی با غرب گسترش پیدا کرد. این روابط پس از خروج فرانسه از مصر در سال ۱۸۰۱م و بویژه در دوره

محمد علی پاشا و اسماعیل پاشا به اوج خود رسید. هر چند این روابط زیان‌های جبران‌ناپذیری به این کشور وارد کرد و در واقع نوعی تهاجم فرهنگی نیز بود، اما باعث بیداری ملل عرب و آشنایی روز افزون آنها با علوم و فنون جدید گردید. از این رو بسیاری از اندیشمندان، این حمله را آغاز ادبیات معاصر عربی به شمار می‌آورند.

این دوره که با محرومیت همگانی از تعلیم و تربیت، نگاه تبعیض‌آمیز به قشر زن در بحث آموزش و سایر مسائل اجتماعی و بی‌ رغبتی به کار و کوشش، از سایر ادوار جامعه عرب متمایز می‌شود، در آثار اندیشمندان، باعث بروز مناقشات فکری جدی شده است؛ قاسم امین به عنوان یکی از عناصر مهم جریان نوگرایی سکولار در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، در کتب و مقالاتش با انتقاد از اوضاع زمان خود بر لزوم اصلاح جامعه و رهایی از آن اوضاع تأکید می‌ورزد. وی با حمله به ارزش‌های جامعه فئودالی و استبداد حاکم بر جامعه، رکود و فقر را ناشی از بی‌ رغبتی مردم به کار و کوشش دانسته و شهروندان را به ارزش‌های طبقه بورژوازی و تجارت به عنوان اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی فرامی‌خواند.

ایشان همچنین با تأکید بر نقش خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی، اوضاع آن را به طور مستقیم بر جامعه تأثیرگذار دانسته و نابسامانی جوامع مسلمان را ناشی از ضعف خانواده‌ها و آن را نیز ناشی از وضع بد زن در درون خانه می‌پندارد؛ بنابراین اولین گام اساسی را در راه اصلاح جامعه، در گرو اصلاح خانواده و در رأس آن توجه به مسائل زنان و آزاد کردن شان از قیود غیر اسلامی حجاب و نیز اعطای حق آموزش و اشتغال، می‌داند.

نگارنده در این پژوهش بر آن است تا مضامین اجتماعی و راهکارهای ارائه شده در قبال مشکلات اجتماعی را در آثار قاسم امین مورد نقد و بررسی قرار دهد.

**کلمات کلیدی:** ادبیات معاصر عربی، مضامین اجتماعی، آزادی، زن، تعلیم و تربیت، اصلاح جامعه

## مقدمه

در بررسی ادبیات هر جامعه و ملتی بایستی به رویدادهای مهمی که در آن جامعه رخ داده است، توجه بیشتری مبذول شود، چه بسا که این رویدادها عامل اصلی حرکت جامعه در مسیر خاصی باشند. در ادبیات جدید عرب عموماً و مصر بصورت خاص، حمله ناپلئون به مصر از بزرگترین رویدادها به شمار می‌رود. جامعه عرب که حدود دو قرن در گرداب سختی فرو رفته بود و از آن رنج می‌برد با حمله فرانسه به

مصر، شاهد شروع دور جدیدی در تاریخ خود شد. جامعه پیشرفته عربی، علیرغم تلاش های فراوانی که رهبران اوایل عصر نهضت و پیروان آنها در این راستا انجام دادند، نتوانست به منصف ظهور برسد. بیشتر ویژگی های این جامعه، با ارزش ها و مفاهیم قرون وسطائی مرتبط بود که مانع از پیشرفت جامعه و رهایی از قیود و عقب ماندگی و انحطاط مزمن می شد. اسباب و عوامل این رنج و درد جامعه عربی، مربوط می شد به طبیعت تهدیدات خارجی و داخلی و شکست ها و ناکامی های زیادی که عرب در تاریخ جدید و معاصر خود، با آنها روبرو شده بود. این عوامل باعث تولّد و رشد جریان های فکری مختلف با ابزار و اهداف گوناگون جهت مقابله با آن تهدیدات گردید. این جریان ها که در عصر نهضت بوجود آمده بودند، پایه های گرایشات فکری معاصر عربی به شمار می روند. دعوت های اصلاح دینی و جنبش ها و احزاب سیاسی و افکار اقتصادی و اجتماعی که به دنبال جنگ جهانی اول بوجود آمدند، ادامه و امتداد آن گرایشاتی به شمار می روند که در کل در سه جریان اصلی ظهور یافتند؛ این سه جریان عبارتند از:

الف) جریان دینی

ب) جریان نوگرایی سکولار

ج) جریان مصالحه میان این دو گرایش

سه جریان فوق با این سؤال اساسی مشترک در زمان خود روبرو بودند که «چگونه می توان از این عقب ماندگی و انحطاطی که عرب و مسلمانان در همه سرزمین ها از آن رنج می برند، رهایی یافت؟» از آنجا که جریان نخست، این عقب ماندگی را ناشی از دور شدن مسلمانان از آموزه ها و تعالیم صحیح دینی و روی آوردن به بدعت و خرافات در مسائل دینی و دنیوی، می دانست، لذا راه چاره را در بازگشت به همان سرچشمه های اولیه و اصیل دینی معرفی می کرد؛ یعنی بازگشت به قرآن و سنت. ولی نوگرایان سکولار، دیدگاهی متناقض با دیدگاه مذکور را داشته و معتقد بودند، راه رهایی از این رکود و جمود موجود از طرفی در جدایی میان دین و دنیا و از طرف دیگر در استفاده از ابزار علمی جدید و ساختارهایی است که غربیان در بنای تمدن شان بکار گرفته اند. بورژوازی عربی متأثر از فرهنگ غربی بویژه در مصر و لبنان در نشر این عقیده، نقش اساسی را ایفا می کرد. از دیگر سو، جریان تلفیقی می کوشید حدّ وسط اعتقادات دینی و سکولار را، راه برون رفت از رکود جوامع اسلامی معرفی کند؛ به زعم این جریان اسلام دینی اعتدال گراست که با دقت تمام میان نیازمندی های مادی و دنیوی و نیز نیازها و اقتضائات معنوی، موازنه ایجاد می کند، به طوری که می تواند بدون از دست دادن ویژگی های جوهری خود، با هر نوع تمدن پیشرفته ای سازگاری داشته باشد.



هر یک از این جریان‌ها در راستای مقبولیت پذیری در میان مردم، در قالب کتاب و مقاله و سخنرانی به تشریح آرا و افکار خویش و نقد دیدگاه جریان‌های مخالف می‌پرداختند. در این میان مصر که کانون اصلی این مناقشات فکری بود، در اواخر سده نوزدهم میلادی شاهد ظهور اصلاح طلبی بنام «قاسم امین» بود؛ وی که یکی از عناصر کلیدی جریان نوگرایی سکولار به شمار می‌رفت، توانست علیرغم انتقادات زیاد، آرا خود را با شجاعت تمام در اقصا نقاط بلاد اسلامی به گوش همگان برساند. این پژوهش برآن است به بررسی افکار این اصلاح طلب اجتماعی و راهکارهایی که برای رهایی جوامع مسلمان از رکود حاکم بر آنها، ارائه داده است، بپردازد.

امین که از اصلاح طلبان منسوب به مکتب «شیخ محمد عبده» بود، اساسی‌ترین عامل اصلاح جامعه را در اصلاح خانواده و در رأس آن تلاش برای بهبود اوضاع زن و تربیت وی می‌دانست؛ به طوری که در همه آثارش که جنبه اجتماعی دارند، دفاع از آزادی، بویژه آزادی زن و حقوق وی و تربیت صحیح دختران و... موج می‌زند. قاسم به عنوان یک مصلح اجتماعی، دیدگاه‌های قابل توجهی در باب مسائل اجتماعی دارد و سه کتاب و چندین مقاله در این زمینه به رشته تحریر درآورده است. علیرغم شهرت و اعتبار این نویسنده در باب مذکور، از آنجا که مطالعات و بررسی‌های مستقلی درباره این اندیشه‌ها صورت نگرفته است، لذا انجام چنین پژوهشی برای آشنایی با علل و اسباب گرایش امین به این مضامین و نیز نوع نگاه وی به مسائل اجتماعی بویژه مسائل زنان، ضروری به نظر می‌رسد. تا جایی که اینجانب بررسی کرده‌ام تنها پژوهش صورت گرفته درباره افکار امین، پایان‌نامه‌ای با عنوان «دیدگاه قاسم امین و برخی از معاصرانش درباره زن» می‌باشد که آن هم، صرفاً به مسائل زنان پرداخته است.

در پژوهش پیش رو که در چهار فصل تنظیم شده است ابتدا نگاه کوتاهی به اوضاع عمومی برخی کشورهای عربی پیش از نهضت علمی-ادبی و عوامل زمینه ساز این نهضت، انداخته و در ادامه، جریان‌های فکری حاصل از نهضت را مورد بررسی قرار داده ایم، سپس به تاریخچه زندگانی امین همراه با معرفی آثارش پرداخته و در فصل دوم، مضامین اجتماعی مورد توجه امین را در حد توان خود مورد ارزیابی قرار داده ایم. این فصل با بحث تربیت کودکان شروع شده و با بررسی نکته نظرات اصلاحی امین درباره جامعه و نیز دعوت به ارزش‌های جامعه بورژوازی، ادامه یافته است. مسأله «وقف» نیز در پایان این فصل مورد ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه به دلیل گستردگی مباحث امین در باب مسائل زنان، این مقوله را در فصلی جداگانه ذکر کرده و پس از ذکر مطالبی راجع به اوضاع زن در طول تاریخ و نیز زن مصری معاصر امین از دیدگاه وی، به بحث‌های جنجال‌آفرین ایشان در این زمینه اشاره کرده ایم؛ لازم به ذکر است که در آغاز هر بحث از مباحث این فصل، ابتدا مقدمه‌ای ذکر شده و سپس دیدگاه‌های

قاسم مورد ارزیابی قرار گرفته و در برخی موارد برای توضیح و تشریح بیشتر مطالب و نظرات برخی از مخالفان و موافقان را بیان کرده ایم. امید می رود که این پژوهش ناقص، فتح بابی برای پژوهش های کامل و جامع در باره نوشته ها و افکار این اندیشمند بزرگ، باشد.

## فصل اوّل

### نگاهی بر اوضاع عمومی برخی از کشورهای عربی

۱-۱ وضعیت عمومی کشورهای عربی قبل از نهضت علمی- ادبی

۲-۱ عوامل و مظاهر نهضت عربی

۳-۱ جریان های فکری جامعه عرب در دوره نهضت

## ۱-۱ وضعیت عمومی کشورهای عربی قبل از نهضت علمی - ادبی

پس از سقوط امویان در سال ۱۳۲ه.ق به دست عباسیان، خلافت به فرزندان عباس عموی پیامبر اکرم(ص) رسید. «پایه های دولت عباسی بر شانه ایرانیان به خصوص و شعوبیه به طور عام استوار بود. اینان به مدت ۵۲۴ سال توانستند به حکمرانی بپردازند. تا اینکه در سال ۶۵۶ه.ق خلافت عباسی که سال ها پیش، روی در سراسیمب زوال نهاده بود با حمله مغولان، قدرت خود را از دست رفته دید.»<sup>۱</sup>

«حمله قوم مغول به جهان اسلام در سال ۶۱۶ه.ق/۱۲۱۹م آغاز شد و در پایان یک دوره چهل ساله، در سال ۶۵۶ه.ق/۱۲۵۸م به فتح بغداد و قتل خلیفه عباسی، المستعصم بالله (۶۵۶-۶۴۰ه.ق/۱۲۵۸-۱۲۴۲م) انجامید. تهاجم و تسلط مغولان بر جهان اسلام واقعه‌ای عظیم در تاریخ تمدن و فاجعه‌ای هول‌انگیز در تاریخ ملل مسلمان بود، زیرا آنان، هیچ‌گاه ایامی تلخ‌تر و شرایطی ناگوارتر از آن دوران را ندیده بودند.»<sup>۲</sup>

«مغولان پس از فتح بغداد و به راه انداختن کشتار در آنجا، شروع به پیشروی در سرزمین های عراق و شام کرده و به قتل اهالی و تخریب شهرها پرداختند. سپس به سوی حلب روانه شده و آنجا را در سال ۶۵۸ه.ق/۱۲۶۰م فتح کردند؛ بعد از آن، حماه و حمص را با صلح به چنگ خویش درآوردند و با حرکت به سوی دمشق، آنجا را نیز بدون قتل و ایجاد ویرانی تسخیر کنند. مغولان در ادامه کشورگشایی خود، درصدد فتح مصر برآمدند، ولی والی مصر با جمع آوری ارتشی قوی به سال ۱۲۶۰م، در منطقه «عین جالوت»، توانست

---

۱. الفاخوری، حنا: تاریخ ادبیات زبان عربی؛ ص ۲۶۹

۲. خیراندیش، عبدالرسول: بحران تمدن اسلامی در عصر مغول؛ ص ۳۱

مغولان را عقب رانده و مانع از ورودشان به مصر شود، بدین ترتیب مصر از شر مغولان در امان ماند و تا سال ۱۵۱۷م تحت حاکمیت ممالیک قرار گرفت؛ در این سال «سلطان سلیم عثمانی» که توانسته بود بر حلب استیلا یابد، قاهره را نیز تحت سلطه خویش درآورد.<sup>۱</sup> «تا پیش از این به جز در بعضی نواحی مرزی و جزایر دور دست، مسلمانان همواره در صیانت قلمرو خویش توفیق یافته و مدام در حال فتح و پیشرفت بودند ولی پس از سقوط عباسیان بلاد عربی و مسلمانان زیر سلطه حکام بیگانه قرار گرفت.»<sup>۲</sup>

مغولان که اوّلین حاکمان بیگانه در سرزمین های مسلمان بودند در ابتدای کارشان، سیاست سرکوب و قتل و غارت را در پیش گرفتند بنابراین نوعی رکود و جمود بر عرصه های مختلف زندگی مردم حاکم گردید ولی وقتی که عثمانی ها روی کار آمدند، سیاست مغولان را به کار نبستند، از این رو «تحت حاکمیت عثمانی ها، عرب ها و مسلمانان از تمامی حقوق شان بهره مند گشته و بدین ترتیب خود را تابع حاکمیت عثمانی ها دانستند و در حکومت ترکان بر خود عیبی ندیدند، زیرا سلطان عثمانی را حاکم بر حق مسلمانان شناخته و عصیان علیه وی را گناه محسوب می کردند.»<sup>۳</sup> «حکومت عثمانی هم، با همه زیان هایش دست کم این سود را داشت که به یگانگی عرب گزندی نرساند و عرب ها در سایه آنها در کنار هم ماندند.»<sup>۴</sup>

تاریخ نگارانی که این دوره از تاریخ مسلمانان را به تصویر کشیده اند، اوضاع زندگی مردم در ابعاد مختلف آن را، نابسامان وصف نموده اند. برای مثال در مورد علم و دانش گفته می شود:

«با فتح مصر به دست عثمانی ها، کتب ارزشمند علمی و ادبی از قاهره به قسطنطنیه برده شد. در کنار این ها، عده ای از رجال علم و صنعت که بالغ بر ۱۸۰۰ نفر بودند، از مصر به مرکز حکومت منتقل شدند و بدین وسیله، مصر علاوه بر محرومیت از کتب ارزشمندی علمی، از دانشمندان و صنعتگران نیز محروم گشت، این امر در جمود قریح و رکود جریان های علمی مؤثر واقع شد.»<sup>۵</sup> «در این دوران، علما زندگی درون گرا و

۱. الرکابی، جودت: الادب العربی من الانحدار الی الازدهار؛ ص ۱۲۱- ۱۲۲

۲. خیراندیش، عبدالرسول: پیشین؛ ص ۳۷

۳. الناطور، شحاده و دیگران: تاریخ العرب الحدیث؛ ص ۵۳

۴. عنایت، حمید: سیری در اندیشه سیاسی عرب؛ ص ۹

۵. رزق سلیم، محمود: الادب العربی وتاریخه فی عصر الممالیک و العثمانيين و العصر الحدیث؛ ص ۹۱- ۹۲

به دور از ابداع و تفکر داشتند که به همین دلیل، بحث و پژوهش نیز بی جان شد. آموزش و تعلیم که در مساجد و مدارس شهرها صورت می پذیرفت و تقریباً به آموزش قرآن و حساب منحصر شده بود، فرصت

کافی را برای پژوهش از مردم گرفته بود. این عمل به مرور زمان باعث گسترش بی سوادی و جهل در میان مردم شد.<sup>۱</sup>

در مورد اوضاع اقتصادی این دوره هم گفته می شود که عثمانی ها به طور عام نظام اقتصادی رایج سرزمین های عربی را قبل از فتح شان، حفظ کردند؛ بنابراین سرزمین و سلطه مثل سابق بود ولی «از اواخر قرن ۱۸م دگرگونی های بزرگی، هم در روابط مملکت عثمانی با ملل تابع و دول اروپایی و هم در اوضاع داخلی آن پدید آمد. این دگرگونی ها به طور خلاصه عبارت بودند از: متوقف شدن کشورگشایی های عثمانی و در نتیجه، بسته شدن راه سود و یغمای بیشتر به روی فرمانروایان باب عالی، اثرات تورم آور ورود فلزات گرانبها از آمریکا و سرانجام شکست عثمانی از روسیه در سال ۱۷۶۹م و به تبع آن جدا شدن «کریمه» از ترکیه. از سوی دیگر دستگاه دیوان پیوسته در بیداد و نادرستی و هرزگی فروتر می رفت که همزمان شدن این اتفاقات با تضعیف هسته نیروی نظامی عثمانی، باعث گردید که دولت مرکزی، سلطه پیشین خود را بر ولایات از دست داده و به تبع آن، کار دریافت مالیات به زورمندان محلی اجاره داده شود که اینان فاصله مردم و حکومت را همواره بیشتر می کردند.»<sup>۲</sup>

در این مدت چند تن از سلاطین عثمانی برای رهایی مملکت از این نابسامانی ها کوشیدند و از اواخر قرن هجدهم به اصلاحات مهمی در زمینه های سیاسی و اجتماعی دست زدند. فرمان های «خط شریف گلخانه» و «خط همایون» و «اعلان قانون اساسی» از جمله این اقدامات اصلاحی بودند که به ترتیب در سال های ۱۸۵۶، ۱۸۳۹ و ۱۸۷۶م به اجرا گذاشته شدند ولی به دلیل فقدان وسیله و ضمانت اجرایی، نتوانستند مفید واقع بشوند.<sup>۳</sup>

---

۱. الناطور، شحاده و دیگران: پیشین؛ ص ۶۸-۶۹

۲. عنایت، حمید: پیشین؛ ص ۱۰

۳. الناطور، شحاده و دیگران: پیشین؛ ص ۶۴

ملت مصر، نخستین ملتی بود که ناتوانی و انحطاط امپراتوری عثمانی را غنیمت شمرد و حتی پیش از اقدام عثمانی ها برای انجام اصلاحات، جویای استقلال شد. حمله ناپلئون در سال ۱۷۹۸م/۱۲۱۳ق به مصر و سپس اقدام محمد علی پاشا برای بیرون راندن فرانسویان از آنجا، دو واقعه مهمی بودند که در این رهگذر به یاری مصر آمدند. حمله فرانسه در اواخر قرن ۱۸م به مصر، شاید بزرگترین اتفاق در تاریخ معاصر این کشور باشد که از نظر بسیاری از مورخان، مبدأ نهضت عربی به شمار می رود. علت این امر به راهیابی برخی فنون و صنایع غربی به مشرق باز می گردد که توسط ناپلئون انجام گرفت. «ناپلئون در این لشکر کشی [به مصر] گروهی از علما و خردمندان و صنعتگران فرانسوی را که بالغ بر ۱۴۶ نفر می شد،

با خود همراه کرد؛ اینان به بحث و بررسی جنبه های مختلف جامعه مصر مشغول شدند. ناپلئون اندک زمانی پس از ورودش به مصر، انجمن علمی مصر را به شیوه مجمع علمی فرانسه دایر نمود، مدتی نگذشت که در کنار آن، کارگاه، کتابخانه، چاپخانه، رصدخانه و تماشاخانه ای برای نمایش تأسیس شد.<sup>۱</sup> همچنان که اشاره شد همراه با سپاه ناپلئون، مظاهری از فن و صنعت غرب به مصر راه یافت که از دیدگاه فرهنگی شاید مهم ترین آنها «صنعت چاپ» بود. به برکت این صنعت، بسیاری از آثار عربی و ادب و فرهنگ اسلامی در مصر منتشر شد. علاوه بر آن، ترجمه نوشته های متفکران سیاسی و اجتماعی غرب در دسترس باسوادان قرار گرفت و آنان با جنبه هایی از اندیشه اروپاییان آشنا شدند. البته «سیاست فعال فرهنگی فرانسه در قیاس با سایر دول اروپایی، باعث شد در زمینه فرهنگی، فرانسه الگوی مصر قرار گیرد.»<sup>۲</sup>

نفوذ اروپا به این سرزمین که به دست ناپلئون صورت گرفت، تکانی واقعی بود که مصر و دیار شرق را از خواب بیدار کرد و مردم را به حقوق از دست رفته خود آگاه ساخت. بنابراین، بایستی حمله ناپلئون به مصر را، آغاز آشنایی کامل مصر با غرب دانست که در پی آن، دانش و نظامی گری غرب به مصر منتقل شد. برخورد دو نوع طرز تفکر قدیم و جدید در شئون مختلف حیات مصر نیز از دیگر نتایج این برخورد ها بود. در ادامه به بررسی مختصر برخی از عوامل زمینه ساز نهضت عربی اشاره می کنیم.

---

۱. ضیف، شوقی: الادب العربی الماصر فی مصر؛ ص ۱۳

۲. عنایت، حمید: پیشین؛ ص ۲۲-۲۵

## ۱-۲ عوامل و مظاهر نهضت عربی

استیلای ناپلئون بر مصر، مدت زمان زیادی طول نکشید چرا که امپراتوری عثمانی یکی از سرداران آلبانیایی الاصل خود بنام «محمدعلی» را برای باز پس گیری مصر، بدان سمت گسیل داشت؛ محمد علی توانست به پشتیبانی مردم، فرانسویان را از مصر بیرون و پس از مدتی اعلام استقلال کند. این دو عامل - اشغال مصر توسط فرانسه و استقلال طلبی محمد علی - تأثیرات خاصی بر جامعه مصر بر جای نهاد؛ تابش پرتوهای معرفت و آگاهی از جانب غرب بر آفاق و کرانه های مصر و لبنان از مهم ترین آثار این دو پدیده بود. این پرتو ها به مرور زمان ابزار نهضتی شدند که در روند حرکت ادبی و فکری اعراب مؤثر واقع شدند. مهم ترین ابزار نهضت عبارت بودند از:

«مدارس در لبنان نسبت به سایر بلاد عربی سابقه قدیمی تری دارند که بر دو گونه بودند: مدارس خارجی ها و مدارس ملی. «عینطوره» که در سال ۱۷۳۴ م توسط «پطرس مبارک لبنانی» تاسیس شد، از قدیمی ترین مدارس نوع اول و «عین الورقه» مشهورترین مدرسه ملی به شمار می رود که در سال ۱۷۸۹ م

بنا گردید. اما در مصر تعلیم و تعلم پیش از محمد علی پاشا منحصر در الازهر بود که مواد درسی آن منحصر به علوم دینی می شد؛ محمد علی در راستای تقویت ارتش جدیدش در مصر، به افتتاح و تکثیر مدارس همت گماشت و در این راستا سه نوع مدرسه تاسیس کرد: مدارس ابتدایی، آمادگی و تخصصی.<sup>۱</sup>

«زمانی که اسماعیل پاشا در مصر زمام امور را به دست گرفت، این حرکت نیک، شکوفا شد و مدارس زیادی مثل «مدرسه الاداره» که بعدها «مدرسه حقوق» نام گرفت و «مدرسه المعلمین» و «مدرسه فنون و الصناعات» در دوران وی تاسیس شدند. علاوه بر مدارس، دانشگاه های بزرگی نیز بنا شد که «جامعه الامیرکیه» و «جامعه القدیس یوسف» که هر دو در بیروت و به ترتیب در سال های ۱۸۶۶ و ۱۸۷۴ م ساخته

---

۱. زیات، احمد حسن: تاریخ الادب العربی؛ ص ۴۲۰

تاسیس شدند، از آن جمله اند. در سال ۱۹۰۶ م نیز «جامعه المصریه» در مصر بنا نهاده شد و «الجامعه السوریه» پس از جنگ جهانی اول در عهد فیصل در دمشق تاسیس گردید.<sup>۱</sup>

## ۱-۲-۲ صنعت چاپ

«این صنعت در قرن پانزدهم میلادی اختراع شد ولی در نیمه قرن شانزدهم به «آستانه» پایتخت عثمانی رسید و برای نخستین بار در سال ۱۶۱۰ م در «دیر قزحیا» در لبنان چاپخانه ای بوجود آمد که در آنجا، کتب عربی را با حروف کرشونی - یعنی نوشتن الفاظ عربی با حروف سریانی- چاپ کردند. در سال ۱۷۰۲ م این صنعت وارد حلب سوریه شد... از این پس چاپخانه ها روبه ازدیاد نهاد ... اما مصر تا سال ۱۸۲۱ م که محمد علی «المطبعة الاهلیه» معروف به «مطبعة بولاق» را دایر کرد، چنانکه باید، از این فن استفاده نمی کرد.»<sup>۲</sup>

به گفته برخی از صاحب نظران، صنعت چاپ در این دوره، همان تأثیری را بر مصر و شرق نهاد که بر اروپا در عصر نهضت نهاده بود. به طوری که «با چاپ کتب قدیمی در زمینه های مختلف، مردم دریافتند که آثار عقلی، عاطفی و تحقیقی عرب، بسیار غنی تر از آن چیزی است که متصور می شد و

علاوه بر کتبی که در الازهر موجود بود، کتب ارزشمند دیگری نیز وجود دارد که قبلاً با آنها آشنا نبوده اند. بنابراین به مطالعه این کتاب‌ها پرداخته و به شدت از آنها متأثر شدند.<sup>۳</sup>

### ۱-۲-۳ روزنامه‌ها و مجلات

تاسیس چاپخانه در انتشار روزنامه و صنعت روزنامه نگاری مؤثر واقع شد. «مصر نخستین گاهواره این صنعت در بلاد عربی بود.»<sup>۴</sup> کارکرد روزنامه به منزله یک مدرسه سیار، آگاه‌سازی و روشننگری مردم بود. این صنعت به صورت مکتبی برای نویسندگان درآمد که غالباً آثار خود را در سلسله‌ای از مباحث آغاز

---

۱. الفا خوری، حنا: پیشین؛ ص ۶۵۱

۲. زیات احمد حسن: تاریخ الادب العربی؛ ص ۴۲۴

۳. حسین، طه: حافظ و شوقی؛ ص ۸

۴. الفا خوری، حنا: پیشین، ص ۱۴

کرده و به شکل مقاله، در روزنامه و مجلات انتشار می‌دادند؛ «در سال ۱۸۲۸م روزنامه «الوقایع المصریة» توسط محمد علی پاشا تاسیس شد که مدیریت آن بر عهده «رفاعة بك الطهطاوی» (۱۸۰۱م-۱۸۷۳م) قرار گرفت. این روزنامه اخبار حکومت را نخست به زبان ترکی و عربی و بالاخره تنها به عربی چاپ می‌کرد.»<sup>۱</sup>

«با این همه، روزنامه نگاری را به معنای دقیق آن، لبنانی‌ها پایه‌ریزی کردند؛ به طوری که «اسکندر شلهوب» در سال ۱۸۵۷م روزنامه «السلطنة» و یک سال بعد «خلیل الخوری»، «حدیقه الاخبار» را انتشار داد و «بطرس البستانی» نیز توانست در سال ۱۸۶۰ «نفیر سوریا» را نشر دهد. «سلیم البستانی» هم توانست روزنامه‌های «الجنة» و «الجینة» را به ترتیب در سال‌های ۱۸۶۰ و ۱۸۷۱ منتشر سازد.»<sup>۲</sup>

«با مهاجرت تعدادی از متفکران لبنانی و سوری به مصر، روزنامه نگاری به دست آنان رشد یافت؛ چرا که اینان بیش از دیگران، به زبان‌های اروپایی‌آشنایی و با ملل غرب اختلاط داشتند و باعث انتشار برخی از روزنامه‌ها شدند مثل: «نزهة الافکار» در سال ۱۸۶۹ توسط «ابراهیم المویلحی» و «محمد عثمان جلال» و «الوطن» توسط «میخائیل افندی عبد السید» در سال ۱۸۷۷م. لبنانیان و سوریان فعالیت‌های مطبوعاتی خود را گسترش و روزنامه‌هایی مثل «الکواکب الشرق»، «الاهرام»، «المحروسة» و «المقطم» را انتشار دادند. طولی نکشید که مصریان کوس رقابت با لبنانیان و سوریان را در این عرصه



کوبیدند و روزنامه های بزرگی همچون «المؤید» در سال ۱۸۸۹ و «اللواء» در سال ۱۹۰۰ م را به منصفه ظهور رساندند.<sup>۳</sup>

در کنار روزنامه نگاری، مجلات هم فرصت ظهور یافتند؛ «اولین مجله عربی در سال ۱۸۶۵م با عنوان «اليعسوب» در پزشکی منتشر شد. سپس مجلات دیگری با عناوین «الجنان» و «المقتطف» به همت افرادی چون پطرس لبنانی، در زمینه های مختلف علمی، ادبی، سیاسی، صنعتی و کشاورزی به چاپ رسیدند.<sup>۴</sup>

به طور کلی روزنامه ها و مجلات در پرورش ملت تأثیر بسزایی گذاشتند، به طوری که روحیه میهن دوستی و مبارزه با استبداد و عشق به آزادی خواهی را در مردم بیدار کرده و تمدن غرب و سیستم های

- 
۱. الفا خوری، حنا: الجامع فی التاريخ الادب العربی؛ ص ۱۴/زیات، احمد حسن: پیشین؛ ص ۴۲۵
  ۲. الفاخوری، حنا: تاریخ ادبیات زبان عربی؛ ص ۶۵۲
  ۳. الفاخوری، حنا: الجامع فی التاريخ الادب العربی؛ ص ۱۸
  ۴. الفا خوری، حنا: تاریخ ادبیات زبان عربی؛ ص ۶۵۳

اجتماعی و سیاسی و اختراعات آن دیار را به شرق منتقل کردند.

### ۱-۲-۴ مجامع علمی و ادبی

این مجامع از عوامل پیشرفت علوم و معارف بودند، چرا که ادبا و علما را به تبادل آرا وادار نموده و طرق بحث و پژوهش را برایشان تسهیل کردند. «برای نخستین بار یکی از این مجامع به سال ۱۸۴۷م بنام «الجمعیة السوریة» به کوشش میسیونرهای مذهبی آمریکا در بیروت پدید آمد. پس از آن «الجمعیة العلمیة السوریة» در بیروت تأسیس شد. «المجمع العلمی الشرقی» نیز در سال ۱۸۸۲ در بیروت تشکیل یافت. بدین

ترتیب اندیشه تشکیل مجامع علمی و ادبی در بلاد عرب رواج یافت و اولین مجمع علمی و ادبی مصر در سال ۱۸۶۸م تشکیل شد و مجامع مختلف دیگری برای مقاصد دیگر مثل «شركة طبع الكتب العربیة» در سال ۱۸۹۱م برای چاپ کتاب و «جمعیة التعریب» در سال ۱۹۸۲ و «جمعیة تألیف الكتب» در ۱۹۱۱م برای ترجمه و تألیف کتب دایر گشت.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۵ کتابخانه ها

بلاد عربی از سالیان دراز با کتابخانه آشنایی داشته است؛ یکی دیگر از ثمرات عصر نهضت، این بود که به تأسیس کتابخانه های عمومی و خصوصی و تنظیم آنها به شیوه های نوین همت گماشته شد. «از مشهورترین این کتابخانه ها «المکتبه الظاهرية» دمشق بود که در سال ۱۸۷۸م تأسیس شد. دیگری «المکتبه الخدیویة» در مصر بود که در عهد محمد علی بوجود آمد. «المکتبه الازهریة» که در سال ۱۸۷۹م ساخته شد، از دیگر کتابخانه های مشهور آن دوران به شمار می رفت. ناگفته نماند که آباء یسوعی هم توانستند در سال ۱۸۸۰م «المکتبه الشرقیة» را در بیروت راه اندازی کنند. در دیگر بلاد شرقی نیز کتابخانه های زیادی به وجود آمد، چنانکه در بغداد حدود ۳۰۰ کتابخانه وجود داشت.»<sup>۲</sup>

- 
۱. الزیات، احمد حسن: پیشین؛ ص ۴۲۸ - ۴۳۰
  ۲. الفا خوری، حنا: تاریخ ادبیات زبان عربی؛ ۶۵۶

### ۱-۲-۶ نقل و ترجمه

با به جریان افتادن جنبش نقل و ترجمه در عهد نهضت، دانشمندان و ادبا به نقل میراث جهانی به زبان عربی همت گماشتند؛ همچنان که به نقل برخی آثار عربی به زبان های دیگر نیز اهتمام ورزیدند. این حرکت بیشترین تأثیر را در گسترده شدن آفاق اندیشه های غربی و اروپایی به روی نویسندگان عربی داشت. از طرف دیگر در آگاه سازی جهانیان نسبت به میراث فکری و ادبی عربی مؤثر واقع شد. به طوری که باعث

شد «انبوه عظیمی از متون پراکنده غربی که همه از ارزش یکنواختی برخوردار نبودند، به زبان عربی راه یابند. تقریباً از همه زمینه های فکری و ادبی غرب، کتاب برای ترجمه انتخاب شد. اما انواع رمان و افسانه و داستان های کوتاه را ترجیح می دادند و بیشتر، از نویسندگان رمانتیک یا مدرن فرانسه مثل: مارتین، شاتو بریان، رسو، هوگو، برناردون دوسن پیر و نیز بالزاک و الکساندر دومای پدر و پسر، دوده و... ترجمه کردند.»<sup>۱</sup>

«از پیشگامان این حرکت می توان به «جبرئیل الصهیونی» که کتاب «نزهة المشتاق فی ذکر الامصار و الآفاق» مسعودی را به لاتینی ترجمه کرد و نیز به «یوسف سمعان السمعی» اشاره نمود. این جنبش با تشویق محمد علی پاشا باعث روانه شدن مقالات و تألیفات و نوشته های کثیری از تمدن غرب به مشرق زمین شد.»<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۷ نتاثر

ادبیات قدیم عربی از فنّ تئاتر خالی بود. وضعیت چندین قرن بدین منوال سپری شد. تا اینکه وقتی ناپلئون به مصر آمد، در میان هیأت علمی اش مردانی را برای اجرای نمایشنامه ها آورد. البته چون این نمایشنامه ها به زبان عربی نبودند با رفتن فرانسویان، آن ها هم از میان رفتند. تا اینکه «در نیمه قرن نوزدهم، مردی بنام «مارون النقاش» (۱۸۱۷ - ۱۸۵۵م) در لبنان پیدا شد که در طی سفرهایش به اروپا با تئاتر آشنا شده بود؛ وی نمایشنامه «خسیس» اثر «مولیر» شاعر فرانسوی را به عربی ترجمه و در سال ۱۸۴۸م در حضور نمایندگان دولت و اعیان بیروت، در خانه اش به نمایش در آورد. مارون سپس خودش نمایشنامه ای

- 
۱. عبدالجلیل، ج.م: پیشین، ص ۲۷۷
  ۲. الفاخوری، حنا: الجامع فی التاریخ الادب العربی، ص ۱۹

نوشت و باز هم آن را در خانه اش به نمایش در آورد. بدین ترتیب مارون در فنّ نمایشنامه نویسی تأثیر بسزا گذاشت.<sup>۱</sup>

«در عهد عباس دوّم، جورج ابیض لبنانی برای مهارت یابی در فنّ تئاتر به فرانسه فرستاده شد و پس از بازگشت به مصر، به این فنّ سر و صورتی داد. از این زمان به بعد تئاتر مصر، رو به ترقی نهاد؛ این در حالی بود که این فنّ در سوریه و لبنان به قهقهرا می گرایید.»<sup>۲</sup>

## ۱-۲-۸ خاورشناسی

از بزرگترین عوامل احیای ادبیات عربی، شرکت خاورشناسان در تحقیق و نشر کتب آن بود. اروپاییان از قرن دهم میلادی به زبان و ادبیات عربی توجه کردند. با فرارسیدن قرن نوزدهم و با قیام حکومت های غربی به تأسیس مدارس و آموزش زبان های شرقی جهت سهولت حکمرانی بر مستعمراتشان، حرکت های خاورشناسی نیز شدت یافت. خاورشناسان با انتشار نسخ گرانبهای خطی در چاپ های زیبا و تصحیح شده همراه با تعلیقات نفیس و فهرست های مطالب و اشخاص و اماکن، راه را برای محققان گشودند. آنان به اکتشافات باستانی در بلاد عربی پرداختند. این اکتشافات، بسیاری از نظریات و حقایق متداول را دگرگون ساخت. از مشهورترین خاورشناسان می توان به افرادی مثل «سیلوستر دوسای (۱۸۳۸م)، دسلان (۱۸۷۹م)، لوئی ماسینیون و لوی پرونیال همگی از فرانسه، فراینگ (۱۸۶۱م)، گوستار فلوگل (۱۸۷۰م)، بارول فن کرم (۱۸۸۹م)، تئودور نولدکه (۱۹۳۱م) و کارل بروکلمان همگی از آلمان و...»<sup>۳</sup> اشاره کرد.

## ۱-۲-۹ ادبیات بانوان

این جنبش با آثار یکی از مهره های اصلی که قاسم امین باشد از سال ۱۸۹۹ م در مصر آغاز شد. از این پس گروهی از زنان مسلمان و غیر مسلمان، در جنبش، مطبوعات و تشکیلات آموزشی و فعالیتهای ادبی

- 
۱. الفاخوری، حنا: تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی؛ ص ۶۵۵
  ۲. الزیات، احمد حسن: پیشین؛ ص ۴۲۸
  ۳. الفاخوری، حنا: تاریخ ادبیات زبان عربی؛ ص ۶۵۷ - ۶۵۸

شرکت می کردند. اینان با طلب آزادی و حق آموزش و فعالیت های اجتماعی موفق شده اند سهم بزرگی از نهضت را به خود اختصاص دهند و احترام و تقدیر هم‌رزم های ذکور را به خود جلب کنند. «از مهم ترین فعالان این عرصه می توان به: وردة الیازجی، مریانا مرآش (۱۸۴۸ م - ۱۹۲۲ م) که یک انجمن ادبی در حلب داشت، عائشة تیمور (۱۸۴۰ م - ۱۹۰۲ م) که مصری بود، عفیفة کرم (۱۸۸۳ م - ۱۹۲۴ م) روزنامه نگار و رمان نویس در نیویورک، الکساندر آورنیو (۱۸۷۲ م - ۱۹۲۷ م) از اهالی سوریه و مؤسس یک مجله بانوان به زبان عربی تحت عنوان «أنیس الجلیس» و دیگری به زبان فرانسه بنام «لوتوس»، کسبان کورانی (۱۸۷۰ م - ۱۸۹۸ م) هموطن وی، اسماء الزهاوی و زینب القواز اشاره کرد.»<sup>۱</sup>

## ۱-۳ جریان های فکری جامعه عرب در دوره نهضت

در اواخر قرن ۱۹ م، امپراتوری عثمانی که قدرتی جهانی بود و قریب به پنج سده بر بخش اعظم جهان عرب و مسلمان حکم رانده بود، فروپاشید و استعمارگران اروپایی با امکانات پیشرفته تکنولوژیکی و نظامی خود، جایگزین آن شده و بر نهادهای اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی تسلط یافتند. عناصری در جامعه اسلامی که از پیشرفت های تکنولوژیکی و علمی اروپاییان شگفت زده شده بودند، در برابر عقب ماندگی خود واکنش نشان داده و درصدد برآمدند برای مدرن سازی جامعه خویش، طرح های توسعه را به مرحله اجرا بگذارند. این مدرن سازی را حاکمان عثمانی در قالب اصلاحات نظامی و اداری در اوایل قرن نوزدهم آغاز کرده بودند. در ادامه این اقدامات، دگرگونی های دیگری با عنوان تنظیمات، در قالب اصلاحات ارضی، ضوابط قانونی و دادگاه ها انجام گرفت که هدف از آنها اصلاح امور مدنی، بازرگانی و جزایی بود. این تنظیمات مانع فروپاشی امپراتوری عثمانی نشد به طوری که قدرت های توسعه طلب اروپایی توانستند به تدریج بر سرزمین هایی که در اواخر قرن نوزدهم به امپراتوری عثمانی